

نهضت حسینی تربیت مستمر انسان است

یک عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية در بررسی اجمالی ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدهای عاشورا گفت: امام حسین (ع) کارخانه انسان‌سازی و تربیتی مستمر راه انداخت.



نهضت حسینی تربیت مستمر انسان است/ چرا حسین (ع) شهید دوشنبه است

یک عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية در بررسی اجمالی ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدهای عاشورا گفت: امام حسین (ع) کارخانه انسان‌سازی و تربیتی مستمر راه انداخت.

قیام امام حسین (ع) دارای ابعاد مختلفی است که در این میان زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری این نهضت عظیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تبیین علت‌های قیام عاشورا همواره الهام‌بخش مسلمانان و به ویژه شیعیان در اعصار متمادی بوده است. برای بررسی دلایل قیام حضرت سیدالشهدا (ع) بایستی ویژگی‌های دوره امامت آن حضرت مورد توجه قرار گیرد. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية به بررسی ابعادی از این موضوع پرداختیم که اکنون از نظر شما می‌گذرد. «تکرارپذیری حادثه عاشورا»، «شگردهای دین‌ستیزی از نگاه قرآن»، «جلوه‌های پیام الهی در قرآن»، «عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها» به زبان فارسی و «الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فی الاحادیث المشتركة» و «الحج: فی الاحادیث المشتركة» به زبان عربی از جمله مهم‌ترین آثار وی است. همچنین کتاب عاشورا از دیگر آثار اوست که با همکاری سعید داوودی و زیر نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نوشته شده است.

*در کتاب عاشورا در چهار بخش حادثه عاشورا را بررسی کردید، از جمله ریشه‌های قیام؛ اگر بخواهید ریشه‌های قیام عاشورا را بر شمرد، به نظر شما چه عواملی در این امر دخیل بوده‌اند؟

ریشه‌های قیام عاشورا مفصل است؛ بخشی تاریخی و بخشی تحلیلی است. حدود هشت ریشه را در کتابی که نام بردیم، آوردیم. یکی از ریشه‌های مهم دشمنی دیرینه بنی‌امیه با بنی‌هاشم است که البته این عامل خود دارای ریشه‌های تاریخی دیگری است؛ اول اینکه امیه و هاشم، دو برادر بودند و از همان زمان ابتدا با هم اختلاف داشتند که نسل‌شان هم این اختلافات را در بین خود تداوم و استمرار دادند.

مسئله دیگر انتقام دشمنان اسلام از شکست‌های زمان رسول خدا (ص) است، در واقع نگاهی که در دشمنان امام حسین (ع) در روز عاشورا می‌بینیم نگاه انتقام است. اشعاری که مثلاً از معاویه و یا امویان به یادگار مانده است دقیقاً حکایت از انتقام می‌کند، حتی در یکی از این اشعار مثلاً یزید می‌گوید من انتقام خیبر را از پیامبر اسلام (ص) گرفتم. «لست من خندق إن لم أنتقم من بنی احمد ما کان فعل» یا می‌گوید: «فجزیناه بیدر مثلاً و اقمنا مثل بدر فاعتدل» یعنی عاشورا پاسخی است به جنگ بدر، یعنی نگاه‌ها این گونه بوده است. یکی از اشعار که در منابع اهل سنت هم آمده، این است «فلقد قضیت من النبی دیونی یعنی من دین‌ها: بدهی‌های خود را باز پس گرفتم».

سومین انگیزه، توطئه‌ای که در سقیفه انجام شد که با آن در واقع پایه‌ریزی حکومت امویان انجام شد. کاری که در سقیفه انجام شد شکسته شدن حرمت پیامبر (ص) و خاندانش و تبدیل شدن خلافت الهی به یک امر بشری که بعداً به قدرت رسیدن بنی‌امیه در شام منجر می‌شود. تبدیل خلافت به پادشاهی و کارهایی که از زمان خلیفه دوم به بعد صورت گرفته است منجر به حکومت معاویه و یزید شده است که این هم فصل مفصلی در کتاب عاشورا است که با تحلیل‌های تاریخی و با استناد به منابع اهل سنت جمع‌آوری شده است.

فصل چهارم کتاب در مورد شورای انتصابی خلیفه دوم است که به قدرت رسیدن عثمان انجامید. عثمان از بنی‌امیه بود و به خاطر اوست که معاویه و تیم او تقویت می‌شود و خلافت و پایه‌های حکومتشان تحکیم می‌شود. در زمان عثمان، مناصب کلیدی در اختیار

امویان قرار گرفت. اموال به سوی بنی‌امیه سرازیر شد و توطئه‌های عظیمی اتفاق افتاد تا به حادثه کربلا منجر شد. پنجمین انگیزه توطئه‌هایی است که در عصر امیرالمؤمنین(ع) اتفاق افتاد، مانند جنگ جمل. در واقع جنگ جمل رویارویی غیر مستقیم معاویه و تیم او با امیرالمؤمنین(ع) است. بر حسب ظاهر معاویه در جنگ جمل نیست، اما در واقع پشت قصه امویان هستند. در جنگ صفین که رویارویی مستقیم امویان با امام علی(ع) صورت می‌گیرد و قبل از آن جنگ نهروان و... می‌بینیم دست پنهان و یا مستقیم بنی‌امیه در کار است و مسیر تاریخ را آرام آرام دارند به طرف کربلا و رسیدن به آن قله پیش می‌برند. در واقع آستانه تحمل گناهی مانند مصیبت امام حسین(ع) و به شهادت رساندن آن برای امت به راحتی تحصیل نشد، قدم به قدم این گام‌ها تا رسیدن به این جنایت عظیم گذاشته شد.

مسئله دیگر توطئه‌هایی است که در عصر امام حسن مجتبی(ع) اتفاق افتاد، مانند صلح تحمیلی و تضعیف موقعیت امام توسط منافقان و عوامل معاویه و بالاخره خانه‌نشینی امام حسن(ع) بود. امام حسن(ع) هم مدت 10 سال خانه‌نشین بود، یعنی در طول امامت امام حسن(ع)، ایشان فقط شش ماه به صورت رسمی در جنگ و نبرد و مبارزه با معاویه است. بعداً توطئه‌ها چنان کار و عرصه را بر امام تنگ می‌کند که ایشان مجبور به خانه‌نشینی می‌شود. دوران خلافت معاویه هم همین گونه بود، امام حسین(ع) هم 10 سال خانه‌نشین است و در این مدت صبر پیشه می‌کند که در واقع این دوران 20 ساله، دوران یک‌تازی‌های معاویه است که منافقان را در پست‌های حساس و کلیدی قرار و بیشترین خسارت‌های فرهنگی را برای اهداف شوم خود انجام داد.

*مثلاً چه کارهایی انجام داد؟

مثلاً از تفسیر قرآن جلوگیری کرد، مکتب جبر را ترویج داد. ذکر فضائل امیرالمؤمنین(ع) از یک طرف تحریم شد و حتی سب و لعن و ناسزاگویی به ایشان انجام شد، تا حدی که به قول ابن ابی الحدید معتزلی در 70 هزار منبر در سراسر جهان اسلام آن روز رواج داد. همچنین جعل حدیث درباره دیگران را رواج داد و بالاخره امام حسن(ع) را به شهادت رساند. به قول ابن ابی الحدید با کمترین بهانه‌ها شیعه‌کشی را راه انداخت و انسان‌های بسیاری از شیعیان امیرالمؤمنین(ع) را کشت و تنگناهای اقتصادی نسبت به شیعیان امیرالمؤمنین(ع) ایجاد کرد و آنها را پراکنده ساخت.

به طور کلی چیزی از شیعه نمانده بود و اصلاً حادثه کربلا همین را نشان می‌دهد که واقعا ائمه و امام(ع)، مظلوم بوده‌اند و کسی را نداشتند. این‌ها گام به گام زمینه‌هایی شد تا حکومت جنایت بار یزید فرا رسید و در واقع قدم و ریشه هشتم مسئله عاشورا، حکومت یزید است. این ریشه‌ها بسیار مهم است که قدم به قدم آستانه تحمل امت را بالا برد: اولاً حکومت و مدیریت جامعه را از دست ائمه(ع) گرفتند. وقتی ما اینها را کنار هم می‌گذاریم حرکت پنجاه ساله‌ای است که از سقیفه شروع شد و به روز عاشورا منتهی شد. یک حرکت است که از یک سرچشمه و فکر نشأت گرفت؛ کنار زدن اهل بیت(ع) از مدیریت فرهنگی سیاسی اخلاقی و ... و انزوای آنها.

*چرا امام حسین(ع) فقط شهادت را انتخاب کردند، چرا با بیانیه، اطلاعیه، سخنرانی و ... این پیام را به مردم نرساندند؟

دین اسلام طی این مدت پنجاه سال ظاهراً پوخته - پوخته و اصلاً وارونه شد به طوری که اهل بدر و فرزندان اهل بدر و فرزندان احدیون، خارجی و خوارج (خارج از دین) محسوب می‌شدند، یعنی امام حسین(ع) به صورت خارجی مطرح شد و برعکس فرزندان ابوسفیان که پنجاه سال پیش در مقابل اسلام ایستاده بودند خلیفه شدند، یعنی درست اسلام وارونه شد و این همان چیزی است که امام حسین(ع) خطر آنرا به جید گوشزد کرد، برای اینکه این وارونگی را دوباره به سر جای خود برگرداند یعنی بگوید که اینها خلیفه پیامبر(ص) نیستند.

امام حسین(ع) برای اینکه این مسئله را تفهیم و به صورت یک فرهنگ نهادینه کند و فرهنگ غلط را از جامعه پاک کند دست به چنین کاری زد، یعنی تنها چیزی که امام(ره) می‌توانست شوک عظیمی بر جامعه اسلامی وارد کند همین بود و الا با بیانیه، اطلاعیه، سخنرانی، موعظه، داد زدن و تشر زدن کار درست نمی‌شد؛ البته امام(ع) همه این کارها را انجام داد اما جواب نمی‌داد. فقط مظلومیت و خون امام حسین(ع) جوابگو بود حتی خون نزدیکان ایشان بدون حضور ایشان هم جامعه را بیدار نمی‌کرد و تنبه حاصل نمی‌شد این ریشه‌ها منجر به حادثه عظیم کربلا شد و دقیقاً امام حسین(ع) به آنچه که می‌خواست و هدف الهی‌اش بود به خوبی رسید و فرهنگی ایجاد کرد که نه تنها معاویه و تیم او را ساقط کرد، بلکه همه معاویه‌های تاریخ در مقابل ایشان کم آوردند و اکنون هم اگر کسی بخواهد در مقابل هر ظالم و ستمگری بایستد حرکت و الهامش را باید از ایشان بگیرد و می‌گیرد و اگر این اتفاق بیفتد به نتیجه می‌رسد و الا خیلی‌ها هستند که داد می‌زنند، اما در وقتش عقب‌نشینی می‌کنند.

*در مورد حوادث سقیفه و تأثیرگذاری آن بر عاشورا صحبت کردید، حضرت زینب(س) هم در سخنانی امام حسین(ع) را ای شهید دوشنبه خطاب می‌کنند، و این اشاره به سقیفه دارد؟!

مرحوم شیخ محمدحسین غروی اصفهانی(کمپانی) از علمای ما دو بیت شعر «و ما رماه اذ رماه هرمله« وقتی که هرمله جیغ می‌زد او نبود که جیغ می‌زد و تیر را کسی پرت کرد که مقدمات کار را فراهم کرد (یعنی تمام باعث و بانیان به انحراف کشاندن جریان حق در این گناه مقصر هستند).

در زیارت عاشورا سه دسته لعن می‌شوند: یک کسانی که قاتلان امام حسین(ع) هستند و در روز عاشورا حضور دارند و شمر، خولی، سنان و ... هستند. دسته دیگر ممه‌دین آنها هستند کسانی که گام‌های نخست را چنان برداشتند و چنان این مهره‌ها را چیدند که یزید باید بیاید و که در متن لعنت‌های عاشورا هستند. ممه‌دین یعنی تمهیدکنندگان، بنی‌امیه تمهیدکنندگان این مسأله بودند و دیگر افرادی که اسباب و عوامل دیگر را و در واقع پای این الم آمدند و این کار را کردند. همه اینها در این لعنت هستند.

در ادامه شعر مرحوم کمپانی آمده است: «سهم العطاء من جانب السقیفه« از جانب سقیفه این تیر رها شده است. تیر عاشورا که به گلوی علی‌اصغر(ع) رسید، رأس الهرم است. این تیر پنجاه سال صفیرکشان از سقیفه رها شده بود تا به اینجا برسد که این نکته بسیار مهمی است. پنجاه سال تأخیر حادثه کربلا در همین یک نکته است و گام به گام این اتفاق افتاد. والا اگر به امر پیامبر(ص) در مسأله غدیر آنچه که می‌فرمود امتثال می‌شد اصلاً عاشورایی در کار نبود؛ چرا امت باید فرزند پیغمبرش را آنگونه بکشد؟! این کارها به دلیل این مسأله است که انحراف به اینجا کشیده شده است. این معنای فریادهای حضرت زهرا(س) است که می‌فرمودند: «خون روی خون بند نمی‌شود کاری که شما امروز کردید امت باید تاوان و خسارت بسیار سنگینی برای اشتباه و گام غلط بپردازد« که پرداخت.

گفتگو از سیدحسین امامی